

زاده غلام عزیز با سلام دوست من و تبریک صمیمانه

نامه سال اولی فروردین ماه رسید. ممنونم که با همه گرفتاری های که دارید نگاه گاه برایم نامه می نویسد

اصولاً برای آقای بی بی هم برده باشند و خودشان نیز. تا فرصت بیشتری داشته باشند بیشتر برایم بنویسند.

در دیدن و بازدیدهای عید اغلب با دوستان و آشنایان از خریدها برداشته اند و از آن ها از طریق آن

و با جمع زبان و با نام آنها و آشنایان آشنا شده و بودند و می خواسته در باره آنها بیشتر بدانند. اغلب آن ها از

شعرهای شما خوششان آمده است و فضای تازه و ماندگاری آنها را آن کتب خوششان و را جلب کرده است. هم

آن ها گفتم که فکر اضطراب را در اثر شما تقویت کرده اند و آن هم در شعرها بود که در دوره کوتاه آهنگ

در تهران سروده بودند. (اگر باقی مانده باشد این شعرها در خانه آقای الهی من برای ما خوانند و در این نکته را

شاید همان شب هم به شما گفته باشم.)

علاوه بر اینم که نه تنها جوانان بلکه بسیاری از بزرگان نیز، باب بیدی از شاعران خوب این آب و خاک

آشنا شدند. به خصوص با شاعرانی که مثل شما در خارج زندگی کرده اند و انشا و شعرهاشان در آن سال ها

در ایران منع بوده است، برای همین خوشحال شدم که کتاب جامع دال و دست هم از این جهت که شاعران

خوب را می شناسند، منتهی اصلاح شده و آنگاه انتشار که ناشر کتاب می گفت، فروش آن هم به نفع بوده

است و در همین هجرت شش ماهه پیش از منی از تبریز آن کتاب فروش رفته است و این نسخه خیلی خوشگام می کند.

سلام می خورم در میان این همه تلف بهرگز که روئیده است ، هنوز گل های دانه شانه می ترسم و
اهل ذوق را حیل می کند و اثر خردش را بر ما گذارند .

کار چاپ دوم دانه نامه شمری هفتاد و پنج نام رسیده است ، بنابراین آنطور که انتظار داشت ، برای ادبی
اروپایی که در کتابخانه های غرب اروپا می شود ، آماده نگار شده . خواهش می کنم اگر نظری در این باره
در مابقی آن دارید برایم بنویسید .

حال زمانی برای شما و آقای بیع سلام و تبریک سال نو دارم . امید دارم سال نو برای شما سال

سودت و خفایت های خوب باشد .
با این که آرزوی دور دست است اما باز هم باید گفت به امید این

۳۱ فروردین / ۷۶